

۹

داستان جلد

طراح و جواهرساز محله هاشمیه، هیچ وقت خودش را بی نیاز از آموزش ندانسته است

گوهرشناسی گوهرنیا

حسین بیات جواهرسازی در ایران قدمتی چند هزار ساله دارد اما قدیمی ترین نمونه های به دست آمده آن مربوط است به ۵ هزار سال قبل از میلاد که در کاوش ها در تپه سیلک کاشان به دست آمده و نشان می دهد که مردمان ایران زمین از صدف و سنگ های نرم، گردن بند و دستبند های زینتی می ساخته اند. با این پیشینه، افسانه گوهرنیا، از ساکنان محله هاشمیه، هنرمند یکی از قدیمی ترین هنرهای ایران است. او که متولد ۱۳۵۹ مشهد است، طراحی و ساخت زیورآلات را از سال ۱۳۹۰ شروع کرده اما آموزش های مداوم و پیوسته ای که در این عرصه دیده، باعث شده است امروز طراح و سازنده چند برند معتبر داخلی و خارجی جواهرات باشد.

● اولین دوره زنانه جواهرسازی در مشهد

افسانه گوهرنیا، هنر را در سال های دبیرستان با معرق و نقاشی و مینیاتور شروع می کند اما کنکور، تحصیل در رشته مهندسی کامپیوتر، ازدواج، شاغل شدن و بعدتر، تولد و نگهداری از تنها پسرش برای چند سالی او را از کارهای هنری دور می کند. سال ۱۳۹۰ است که از یک نمایشگاه مینا و فلز بازدید می کند، دوباره شوق ساختن یک اثر هنری به جانش می افتد؛ «آنجا حس کردم که خیلی دوست دارم با فلز کار کنم. بعد از تحقیقات مفصل به جواهرسازی رسیدم اما یک مشکل بزرگ سر راهم بود. در مشهد هیچ آموزشگاهی برای آموزش خانم ها در حوزه جواهرسازی نبود. به سراغ یکی از آموزشگاه هایی رفتم که آقایان را آموزش و در پایان به آن ها مدرک رسمی فنی

و حرفه ای می داد. به مسئولش پیشنهاد کردم که کلاسی هم برای خانم ها برگزار کند. چند خانم دیگر هم همین درخواست را داشتند. با پیگیری های مداوم ما، مدیر آموزشگاه مجاب شد که مجوز برپایی یک دوره آموزشی «طلا و جواهرسازی» برای خانم ها را از اداره کل فنی و حرفه ای بگیرد. مدتی طول کشید تا این اجازه داده شد و من و چند خانم دیگر توانستیم سر کلاس حاضر شویم. مدت نخستین دوره ای که گوهرنیا گذرانده، هشت ماه است. در این مدت پیشینه هنری و شغلی اش خیلی به کارش می آید تا متفاوت از دیگر هنرچویان عمل کند و دست ساخته های چشم نوازتری بسازد؛ «من به واسطه شغل طراحی 3D رابلد بودم و خودم جواهرات را طراحی می کردم. از طرفی به واسطه مهارت معرق کاری، دستم روی اهره روان بود و کارهاییم به چشم استاد می آمد.»

● طراح جهانی در نمایشگاه خانگی

کمی بعد از اینکه گوهرنیا مدرک رسمی طلا سازی و جواهرسازی را می گیرد، پدرش فوت می کند؛ همین فقدان باعث می شود او بیشتر به سمت این هنر کشیده شود و به نوعی به آن پناه ببرد؛ «همراهی همسر و تشویق های پدرم - در زمان حیاتشان - به من کمک کرد که این هنر را جدی تر دنبال کنم؛ برای همین در همان دوره آموزشی، بخشی از خانه را به کارگاه تبدیل و تجهیز کردم. ایده های زیادی برای طراحی و اجرا داشتم اما به چشم یک بیزینس و کار تجاری به جواهرسازی نگاه نمی کردم. وجه هنری آن اولویت داشت و تلاش می کردم ارزش هنری اثری که می سازم خیلی بیشتر از ارزش مادی آن باشد.»

با همین دیدگاه است که گوهرنیا طرح ها و دست ساخته های زیادی را اجرا می کند؛ دست ساخته هایی که بیشترشان از ترکیب نقره و سنگ های زینتی و قیمتی ساخته می شوند. سال ۱۳۹۵ او یک نمایشگاه خانگی برگزار می کند تا حدود هشتاد طرح از انواع انگشتر، گوشواره، گردن بند، دست بند و دیگر زیورآلات دست ساز خودش را به مدت سه روز به معرض تماشا بگذارد؛ «اطلاع رسانی چندانی نکردم. فقط به دوستان و آشنایان گفتم اما بدون آنکه انتظارش را داشته باشم، جمعیت خیلی زیادی از نمایشگاه دیدن کردند. نه تنها چهار روز تمدیدش کردم، که بیش از ۴۵ سفارش کار هم از بازدیدکنندگان گرفتم.» یکی از بازدیدکنندگان نمایشگاه، ایرج معینی است؛ طراح مشهور جواهرساکن نیویورک که طرح هایش نه تنها در مجلات مد چاپ می شود که در برخی از موزه های معروف جهان مانند موزه متروپولیتن نیویورک نیز هست؛ «نکته ها و راهنمایی های آقای معینی برای من بسیار کارگشا و متفاوت بود. روی تک کارها صحبت کردند و تجربیاتشان را با خلوص نیت در اختیار من گذاشتند و مسیری را نشانم دادند که خیلی اثرگذار بود و دیدم من را بازتر کرد. راستش در زمان برگزاری نمایشگاه آن قدر سرم شلوغ بود که پیگیر آثار ایشان نشدم. چند روز بعد نامشان را جست و جو کردم و تازه فهمیدم چه جایگاهی در جواهرسازی دنیا دارد! آقای معینی اصالتا مشهدی است و آن روز خیلی اتفاقی مادرش را همراهی کرده بود تا به نمایشگاه من بیاید.»

● نمی خواستم نگاه بازاری

«تفاوت» چیزی است که گوهرنیا یاد عیار نقره خود را فقط بامس و قلم که در بازار فروش به نام «بارسفید» استاندارد است برای تشخیص چه میزان از فلز مورد نظر در این قلم نقره خالص، باید آن ها را با سایر قطعه مورد نظر از نقره است. برای بازار فلزآماده ای به نام آرژونیوم مرسوم است اما هشت سال قبل چون گران بود. من در آن سال ها کار را به آزمایشگاه می دادم تا عیار پیش می آمد که یک کار را با سازم مشتری داشت اما خودم را راضی نگاه بازاری به این هنر داشته باشم برایم مهم نبود. شاید همین نگرش در اولویت باشد. شخصاً اگر بخوان آن روزها اصلاً ارزشش را نداشتم، می ماندم، درآمد خیلی بیشتری د

